

بیداری اسلامی و وحدت جهان اسلام؛ استاد مطهری

بیداری اسلامی و وحدت جهان اسلام؛ استاد مطهری

محمد رضا رحمت خواه

پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات جهان

چکیده

در بسیاری از کشورها موج بیداری اسلامی ایجاد گشته و روبه رشد می باشد که این بیداری نشأت گرفته از انقلاب اسلامی ایران و تلاش های خستگی ناپذیر افرادی همچون استاد مطهری می باشد. شهید مطهری که خود دغدغه اسلام ناب و اصیل را داشت، اسلام را مهمترین عامل بیداری و جنبش علیه ستم می دانست. این پژوهش نیز بر اساس روشی تحلیلی-توصیفی و بهره جستن از کتب مکتوب و اسنادهای غیر مکتوب به بررسی نقش و جایگاه استاد شهید مطهری در بیداری اسلامی کشورهای مسلمان پرداخته است. نتایج بیانگر آن بوده که ایشان عامل اصلی بیداری اسلامی و همچنین احساس هویت و ایستادگی در برابر دشمنان و مستکبرین را بازگشت به خویشتن دانسته و اعتقاد داشتند که باید روح ایمان همراه با عمل و بازگشت به اصالت خویشتن و روح اسلام در آحاد جامعه ایجاد شده و زمانیکه چنین امری فراهم گردید آنوقت جنبش و حرکت نیز در سرتاسر جامعه و جهان ایجاد خواهد شد. ایشان همچنین راز حیات و عامل اصلی ایجاد

بیداری اسلامی و همچنین مقاوم بودن را اتحاد و همبستگی بین مسلمین دانسته و در این میان بسیار سخن ها بیان نموده اند و زمانیکه مسلمین متحد شدند و یکدل و یکصدا گردیدند آن زمان می توانند بر کلیه کیدهای دشمن غلبه کرده و موج بیداری را تالو بخشند. همچنین استاد با بینشی روشن و آگاهانه صحنه آینده جهان مسلمین را پیش بینی نموده و بیان داشتند که دنیا در آینده به خصوص در بلوک مسلمین شاهد موج بیداری اسلامی می باشد که این بیداری نشأت گرفته از انقلاب اسلامی می باشد. البته باید بیان داشت که ایجاد انقلاب اسلامی و این موج بیداری اسلامی حاصل تلاش ها و روشنگری های این استاد فرزانه بوده است.

کلمات کلیدی: اسلام، بیداری، انقلاب اسلامی، اتحاد، اصالت، شهید مطهری.

مقدمه

در زمان ما به طور کلی در همه کشورهای اسلامی نوعی بیداری و به خود آمدگی اسلامی پیدا شده است. ملل مسلمان با سرخوردگی از معیارها و مکتب‌های شرقی و غربی به جست و جوی هویت واقعی و اصیل خود برخاسته‌اند» (مطهری، 1367: ص 57).

محیط اجتماع بشری با مجموع حوادث بزرگ و کوچکی که در آن رخ می دهد، چون دریایی پر از موج و جنبش و طوفان است. امواج این دریا به تدریج رو به وسعت می نهند و در برخورد با هم، یکدیگر را مغلوب می کنند. زنده ترین امواج اجتماعی، جنبشهای دینی است که از جوهر حیات و فطرت انسانها سرچشمه می گیرد و لذا، از نیرویی عظیم و قدرت رشد و بالندگی برخوردار است. امواج بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه که با بانگ تکبیر همراه شده، نمونه بارز این جنبشها در برهه کنونی است. آنچه مسلم است، این بیداری در میان ملتها و کشورهای اسلامی یک شبه رخ نداده، بلکه بسترهای آن از قبل آماده شده است و عالمان و متفکران زیادی تمام هم و غم خود را در جهت استقلال ملتها و احیاء تفکر دینی به کار برده اند.

استاد شهید مرتضی مطهری از جمله متفکرانی است که جان خود را در مسیر احیای دین اهدا کرد. او تیزهوش، مسئله یاب و اهل بحث و تدبیر بود و از همان ابتدا که به کار ارشاد و تبلیغ پرداخت، دغدغه احیای دین و عزت انسانها را داشت.

شهید مطهری که خود دغدغه اسلام ناب و اصیل را داشت، اسلام را مهمترین عامل بیداری و جنبش علیه ستم می دانست و می گفت: « اسلام را نباید با ادیانی که همه محتوایشان چهارتا کلمه اندرز است مقایسه کرد. اسلام خود را در مقابل همه بدبختیهای اجتماع مسئول می داند ... اسلام آمده است تا جامعه تشکیل بدهد، آمده دولت و حکومت تشکیل بدهد، رسالتش اصلاح جهان است؛ چنین دینی نمی تواند بی تفاوت باشد» (مطهری، 1386، ج20: ص223).

شهید مطهری تأکید می کرد که به وجود آمدن بیداری امری عظیم است، اما عظیم تر از آن ماندگاری این بیداری است (تسخیری، 1390). شهید مطهری معتقد است که غرب سالهاست که در پی بیخبر نگهداشتن مردم است؛ حال روشنفکران مسلمان دو وظیفه بر عهده دارند؛ یکی شناخت صحیح اسلام به عنوان یک فلسفه اجتماعی و دیگری شناخت مقتضیات زمان و تفکیک واقعیت های ناشی از تکامل علم از پدیده های انحرافی و عوامل فساد.

اسلام دینی پویا از دیدگاه استاد

استاد مطهری در کتاب «مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی»، جوانه های نظام نیرومند و ناب اسلام را شکوفا می سازد و آن را دینی زنده و مستقل معرفی می کند که حرکت جامعه ها و انسانها را به سوی استقلال و آزادی سرعت می بخشد. به گواهی تاریخ، آئین پاک اسلام به دلیل همین ویژگی، قرن به قرن پیش رفته و بر عدد پیروانش افزوده شده است.

عامل دیگر بیداری از نگاه شهید مطهری اعتقاد و بینشی است که مردم را به حرکت و نشاط و مبارزه در برابر استعمار و استکبار فرامی خواند و مشوق آنها برای برقراری عدالت و امنیت در جامعه است. اعتقادی که دین و سیاست را به هم پیوسته و مرتبط بداند، ذلت، وابستگی و زورگویی را زبیده پیروان خود نمی داند. او می گوید: « کار اساسی این است که مردم ایمان پیدا کنند که مبارزه سیاسی یک وظیفه شرعی و مذهبی است. تنها در این صورت است که تا رسیدن به هدف از پای نخواهند نشست» (مطهری، 1386، ج24: ص36). غرب - منظور تمام ابر قدرت ها است - از یک چیز وحشت دارد و آن بیداری خلق مسلمان است.

امواج زنده همانهاست که از جوهر حیاط سرچشمه می گیرد. مسیرشان مسیر حیاط و جهتشان رقا و تکامل است. پاره ای از نهضت های فکری، علمی، اخلاقی و هنری از آن جهت جاوید می مانند که خود زنده اند و از نیروی مرموز حیاط بهره مندند. زنده ترین امواج اجتماعی، امواج و جنبش های دینی است.

پیوند این امواج و این نهضتها با جوهر حیات و فطرت زندگی از هر چیز دیگر اصیلتر است. در هیچ حرکت و هیچ موج دیگر این اندازه نیروی حیات و قدرت رشد و بالندگی وجود ندارد (مطهری، 1385: ص 24).

قرآن کریم خاصیت رشد و نمو جنبش اسلامی را چنین توصیف می کند:

... و مثل آنها در انجیل مثل زراعتی است که اول فقط سبزه نازکی از آن از زمین بر می دمد، پس خداوند او را نیرومند می سازد، آنگاه سبزی می گردد، پس روی تنه خویش می ایستد، رشد و نمو سریع و سبزی و خرمی این زراعت موجب شگفتی همه کشاورزان می شود، تا خداوند کافران و بدخواهان را به خشم آورد. (فتح / 29).

تفکر بیداری اسلامی شهید مطهری و دیگر بزرگان

بیداری اسلامی در همه جغرافیای ملل مسلمان و نفی ناسیونالیسم غیرمنطقی را از دل مشغولی های اصلی شهید مطهری می باشد. استاد همواره در بحث بیداری اسلامی از افرادی همچون کواکبی و سیدجمال الدین اسدآبادی یاد می کرد و با به کارگیری واژه ملت واحد اسلامی همواره نگران اندیشه های تفرقه افکنانه بود (لاریجانی، 1391).

نقش تفکر شهید مطهری در نگاهداری حرکت بیداری اسلامی گسترده و نزدیکی عجیب فکری میان شهید مطهری و شهید صدر وجود دارد. به رغم اینکه این دو شخصیت شاید با یکدیگر دیدار هم نکرده بودند اما تقارب فکری عجیبی میان آنها وجود داشت و آنها در تاریخهای نزدیک به هم به شهادت رسیدند (تسخیری، 1390).

امام نظریه اسلام سیاسی را ارائه کرد اما استاد شهید مطهری پردازش کننده آن بود. اندیشه های استاد به این معنا پرداخته است که اسلام سیاسی است و هیچ بن بست در آن وجود ندارد. همچنین ختم رسول الهی و ختم ادیان با دین اسلام نیز نشان دهنده این است که اسلام را باید در تمام ابعاد زندگی بشری مورد توجه قرار داد (اسلامی، 1390).

شهید مطهری که اقبال را از طلایه داران بیداری اسلامی می داند، در وصف او می گوید: این ناله اقبال لاهوری است که چون نسیم سحرآمیز دل های خفته و وجدان های متفرق مسلمانان را بیدار می کند و رسالت خدمتگزارانه بیممنت خلق خدا و بشارت آزادی و آزادی نوع بشر را به یاد آن ها می آورد: این غنچه خوابیده چون نرگس نگران خیز / کاشانه ما رفت به تاراج غمان خیز

از ناله مرغ سحر، از بانگ اذان خیز / وز گرمی هنگامه آتش نفسان خیز
از خواب گران، خواب گران، خواب گران-خیز
دریای تو دریاست که آسوده چو صحراست؟! / دریای تو دریاست که افزون نشد و کاست؟!
بیگانه آشوب و نهنگ است چه دریاست؟! / از سینه چاکش صفت موج روان خیز
از خواب گران، خواب گران، خواب گران-خیز
فریاد از افرنگ و دلاویزی افرنگ / فریاد ز شیرینی و پرویزی افرنگ
عالم همه ویرانه ز چنگیزی افرنگ / معمار حرم، باز به تعمیر جهان خیز
از خواب گران، خواب گران، خواب گران-خیز

همبستگی و اتحاد جوامع اسلامی راز حیات و بیداری اسلامی

استاد مطهری اتحاد و همبستگی جامعه را از علایم حیات جامعه می‌داند و می‌گوید: کلید بازگشت یکی از علائم حیات یک جامعه این است که همبستگی میان افرادش بیشتر است. منلاشی شدن و متفرق شدن و جدا شدن اعضا از یکدیگر خاصیت مردگی است. خاصیت زندگی یک اجتماع به همبستگی و پیوستگی بیشتر اعضا و جوارح آن اجتماع است. حال آیا جامعه اسلامی امروز یک جامعه زنده است یا یک جامعه مرده؟ به این دلیل که مسلمانان بیشتر به جان یکدیگر می‌افتند و بیشتر تلاششان صرف جنگ و دعوا با خودشان و اختلاف داخلی خودشان می‌شود و در نتیجه دشمن زیرک استفاده می‌کند، آن‌ها مرده هستند! چه تعبیر رسایی وجود مبارک رسول اکرم (ص) دارد، می‌فرماید: مثل مردم با ایمان، آنهایی که زنده به ایمان‌اند، آنهایی که مصداق «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِدَعَائِهِمْ وَأَسْرِعُوا فِي الْمَوَاعِدِ» هستند. مطهری (ره) معتقد است که مثل مؤمنان در همدلی، در دوست داشتن یکدیگر، در عاطفه داشتن نسبت به یکدیگر، در همدردی نسبت به یکدیگر، در علاقه‌مند بودن به سرنوشت یکدیگر، مثل پیکر زنده است که اگر عضوی از آن بدر آید سایر اعضا با این عضو همدردی می‌کنند.

شهید همواره بر این نکته تأکید داشت که امت واحد اسلامی باید با اتحاد و همدلی به مقابله با استعمار برخیزد (لاریجانی، 1391).

احساس شخصیت مهم ترین نکته در بیداری جامعه

برای حرکت و پویایی و بیداری یک جامعه، مهمترین نکته ای که شهید مطهری بر آن تأکید دارد، مساله احساس شخصیت است. اگر ملّتی احساس شخصیت نکند، هیچگاه دست به قیام و انقلاب نخواهد زد. ایشان می‌گوید: «از این سرمایه بالاتر برای اجتماع وجود ندارد که در خود احساس شخصیت و منش کند،

برای خود ایده آل داشته باشد و نسبت به اجتماع های دیگر حس استغنا و بی نیازی کند. بالاترین سرمایه این است که یک اجتماع بدانند برای خودش فلسفه مستقلی در زندگی دارد و به آن افتخار و مباحثات کند. اساساً حفظ حماسه در اجتماع در این است. وای به حال آن اجتماعی که این حس را از دست بدهد» (مطهری، 1386 ج 17: ص 16).

مسأله احساس شخصیت مسأله بسیار مهمی است. از این سرمایه بالاتر برای اجتماع وجود ندارد که در خودش احساس شخصیت و منش کند، برای خودش ایده آل داشته باشد و نسبت به اجتماعهای دیگر حس استغنا و بی نیازی داشته باشد، یک اجتماع اینطور فکر کند که خودش و برای خودش فلسفه مستقلی در زندگی دارد و به آن فلسفه مستقل زندگی خودش افتخار و مباحثات کند، و اساساً حفظ حماسه در اجتماع یعنی همین که اجتماع از خودش فلسفه ای در زندگی داشته باشد و به آن فلسفه ایمان و اعتقاد داشته باشد و او را برتر و بهتر و بالاتر بدانند و به آن ببالد. وای به حال آن اجتماعی که این حس را از دست بدهد! این یک مرض اجتماعی است (همان، 53).

حیات ملت به این است که آن ملت شخصیتی را در خودش احساس کند. ای بسا ملت‌های عالم که شخصیت ندارند، وای بسا ملت‌های جاهل که شخصیت خودشان را حفظ کرده اند. اگر الجزایریها بعد از صد و پنجاه سال مبارزه توانستند استعمار فرانسه را به زانو درآورند و به استقلال برسند، برای این بود که در آنها یک حماسه و یک احساس منش وجود داشت. اگر در آن طرف مشرق زمین، ملت دیگری دارد با قویترین و ثروتمندترین ملت‌های جهان مبارزه میکند، چرا مبارزه میکند؟ آیا عدد یا ثروتش با آنها مبارزه میکند؟ ایداً؛ احساس شخصیت و منش آن ملت مبارزه میکند، مدگوید: من تو را به آقایی قبول ندارم، من یا باید زنده باشم روی پای خودم باشم و کسی بر من حکومت نکند و یا باید نباشم (همان، 58).

«بعضی روحیه‌ها فاقد حماسه اند و بعضی دارای حماسه اند، و گفتیم که حماسه، نوعی احساس شخصیت است در مقابل دیگران افرادی هستند در دنیا عاری و خالی از حماسه؛ در خود، همه احساس حقارت و تبعیض و شکست خوردگی میکنند، هیچ فکر و عقیده قابل دفاعی در روح آنها وجود ندارد، اگر دفاع کند فقط از مال و جان خود دفاع میکنند، اما چیز دیگر قابل تعلق و قابل دفاعی ندارد از وطن و قومیت و نژاد و زبان و دین و آئین و حریت و کرامت ذات» (همان، 636).

«بزرگترین هدیه ای که یک رهبر به ملتش میتواند بدهد «ایمان به خود» است، یعنی آن ملت را به خودش مؤمن کند. یک رهبر ممکن است هدیه ای که به مردمش میدهد مادی باشد، ممکن است هدیه سیاسی باشد، استقلال سیاسی به ملت خودش بدهد. ممکن است ایمان به رهبر باشد یعنی ملت معتقد شود که

رهبر ما رهبر خیلی بزرگی است. ولی اینها آنقدر مهم نیست که هدیه‌ای که يك رهبر به ملتش می‌دهد این باشد که این ملت را به خودش مؤمن و معتقد کند که بگوید من نباید زیر بار دشمن بروم، زیر بار استبداد بروم، زیر بار استعمار بروم، من از خودم تاریخ دارم، از خودم فرهنگ دارم، من هیچ احتیاجی ندارم که از غرب الگو بگیرم» (مطهری، ج 24: ص 217).

اگر شوق بیدار شود و خود اسلامی خود را کشف کند، در آن صورت حتی بمب اتمی هم از پس نیروی عظیم و این توده، به پا خاسته بر نخواهد آمد. راه این بیداری، آشنایی با تاریخ و فرهنگ و ایدئولوژی خودمان است» (مطهری، 1367: ص 122).

نقش کتب استاد مطهری در بیداری اسلامی منطقه

ما به فکری تحولات عظیم بیداری اسلامی از انگیزه های پاک و خالصانه این متفکرین بزرگ گرفته شده است. امروزه کتاب های استاد شهید مطهری به زبان های مختلف ترجمه و به اقصی نقاط جهان و تمامی مراکز فرهنگی ارسال شده است، علاوه بر این کتاب ها، می توان از کتاب های برجسته مرحوم علامه طباطبایی و مرحوم آیت الله صدر نیز به عنوان کتب نمونه در زمینه اسلام و تشیع نام برد به عنوان مثال کتاب های مانند نور و عافیت در رگ های فکری جهان جاری است و همه به این کتاب ها استناد می کنند. شهید مطهری نیاز روز جامعه را به خوبی و دقیق تشخیص می داد و به عنوان مثال زمانی برای کودکان کتاب می نوشت و زمانی نیز پاسخ مقالات ضد اسلامی را می داد، در زمانی نیز با این که استاد بزرگ حوزه بود، حوزه را ترک کرد و مشغول تدریس در دانشگاه الهیات شد تا بتواند ارتباط میان حوزه و دانشگاه را برقرار کند. کتاب های شهید مطهری، صدر، امام خمینی "ره" و مرحوم شهید بهشتی از عوامل اصلی روشنگری برای آغاز انقلاب اسلامی ایران بوده است و این کتاب ها نیازهای فکری جهانیان را تامین کرده است و بالاترین خدمتی که به اسلام انجام گرفت خدمت این متفکران بوده است (تسخیری، 1391).

حرکتهای جهان اسلام از برخی کتابهای استاد شهید مرتضی مطهری الهام گرفته است. تالو این کتابها در جهان اسلام تأثیر داشته و چنین نتیجه ای را رقم زده است (اسلامی، 1390).

الگو بودن بیداری اسلامی برای سایر انقلاب ها

الگوگیری از سایر انقلابها، نکته ای مهم برای جوامع بحران زده است. از نگاه شهید مطهری این بعد اهمیتش از دو بعد دیگر کمتر نیست؛ چرا که ممکن است جامعه ای احساس شخصیت کند و سیاست را جزو

دین خود بدانند، ولی به دلیل فضای ناسالم و یا ترسها و دلهره‌ها موفق به بیداری و انقلاب نشود. اینجاست که وجود یک الگوی موفق، مردم را به قیام و مبارزه برمی‌انگیزد. وقتی ببینند ملّتی راهی را با همه دشواری‌ها ادامه داده و در مقابل سختی‌ها جهاد نموده و موفق بیرون آمده است، این حرکت را دلگرم کننده می‌دانند و قدم در راه آن ملّتی الگو می‌گذارند.

وجود قیام‌های اسلامی به خوبی نشان داد که افرادی همچون شهید مطهری با آگاهی و امیدبخشی به مردم در قلم و بیان‌شان، همواره ترسیم راه درست برای مردم را در نظر داشته‌اند. این از ویژگی‌های شهید مطهری بوده که قلم، زبان و بیانی آینده‌نگر و امیدبخش برای جامعه را در پیش گرفته بود. چنانکه پس از حرکت انقلابی مردمی ایران با رهبری امام(ره)، امروز هم به خوبی می‌توان نقش تفکرات استاد مطهری را در بیداری جوامع اسلامی مشاهده کرد.

با تأثیر این قلم و تفکر، پررنگ شدن رنگ بیداری اسلامی برخی ملت‌ها همچون مصر، لیبی، تونس و... به نحوی است که حتی شعارها، نمادها و حرکت آنان در مسیر انقلابی‌شان، جلوه‌ای اسلامی به خود گرفته و این نتیجه همان هشدارهایی است که فردی چون شهید بزرگوار در آثارشان پیش‌بینی کرده بود. اینکه آثار شهید مطهری و افرادی این چنین سرمایه‌ای برتر برای بیداری و بروز نهضت‌های اسلامی است، تفکر شهید مطهری بهترین پشتوانه قیام مردمی علیه استکبار جهانی است. چنانکه پس از چندین سال، تازگی و زنده بودن خود را حفظ کرده و همه می‌توانند با توجه به آن، معانی و خواسته‌های اسلام را درک کنند.

از خصوصیات علمای اسلام همین است که آینده‌نگر بوده و به طور معمول پیش‌بینی آنها برای آینده بشریت است تا این چنین به ترسیمی از واقعیت برای مردم بپردازند. با توجه به لزوم حفظ و ترویج تفکر شهید مطهری در میان مردم، اولین چیزی که برای همه نیاز است مسئله توحید خواهد بود که به مراتب و به خوبی در آثار شهید مطهری روی آن کار شده و براین اساس برای خداشناسی چه منبعی بهتر از آثار و کتب این شهید بزرگوار. محوری چون استکبارستیزی، بارها در آثار شهید تبیین و تفسیر شده که این امر باید مدنظر مسلمانان قرار گیرد و البته می‌توان بیش از پیش ترویج آن را به سطوح علمی کشاند. همچنین این قضیه از جمله مباحثی است که امروزه بدان نیاز بیشتری احساس می‌شود.

شهید مطهری معلم بزرگی است که منادی بیداری اسلامی در قلوب ملت‌های مسلمان از جمله مردم ایران بود و به ضرس قاطع می‌توان گفت بخش مهمی از نظام واره معرفت دینی در ایران بخصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی مرهون و مدیون تلاشهای فکری و از خودگذشتگی‌های مستمر او در ترویج و تبلیغ اندیشه ناب اسلامی است. استاد شهید مرتضی مطهری (ره) به عنوان ثمره یک عمر مجاهدت علمی بنیانگذار

کبیر انقلاب اسلامی(ره)، اسلام شناسی حاذق، دیده‌بانی بصیر، فیلسوفی خلاق و مبارزی در متن جامعه بود. امروز زمانه مطهری است که امواج بیداری اسلامی چه در داخل و چه در خارج از کشور از شمال آفریقا تا سواحل مدیترانه تا کشورهای حاشیه خلیج فارس را به لرزه درآورده است.

پیش بینی شهید از ایجاد موج بیداری اسلامی در منطقه

بی‌شک اندیشه‌های زلال نشأت گرفته از مبانی دینی شهید مطهری نقشی بسزایی در بیداری اسلامی و خیزش‌های دینی ملت‌های مظلوم منطقه خاورمیانه که اینک شاهد آنیم، داشته و دارد.

استاد مطهری با نگاه تیزبین خود که گویا تحولات امروز جهان را پیش بینی می نماید، می گوید: « من کم‌کم باورم آمده که این انقلاب اسلامی به ایران محدود نمی‌ماند، میلیونها جمعیت مسلمان را در بر خواهد گرفت و چه افتخاری برای ایران خواهد بود که یک انقلابی اسلامی از ایران شروع شود و تمام کشورهای اسلامی را زیر نفوذ خود بگیرد، که خواهد گرفت»(مطهری، 1386، ج24: ص132).

شهید مطهری بیش از ۳۰ سال قبل، وقوع نهضت‌های امروزی را در منطقه به دنبال انقلاب اسلامی ایران پیش‌بینی کرده بود: « در کشورهای آفریقایی نوین‌یاد و نیز در کشورهای عربی تحت استعمار، اسلام به صورت ایدئولوژی نهضت و قیام محرومین درآمده است.

نتیجه

در طول تاریخ همواره افرادی بوده اند که دغدغه بشری و سونوشت آنان در ذهن و روان آنها بوده است و همواره در به راه راست کسیدن بشریت در محدوده زندگی خود و حتی فراتر از آن تلاش های بسیاری را مبذول داشته اند. در این میان جهان اسلام افراد بسیار شاخصی را در دامان خود پرورانده که همیشه در برابر زورگویی و استبداد مقاومت نموده و ندای اسلام ناب را سر داده اند که از این افراد می توان به شهید مطهری و امام خمینی(ره) اشاره داشت. استاد شهید مطهری کلیه تلاششان و دغدغه ایشان اسلام و زنده کردن اسلام ناب بوده است و در این میان از هیچگونه تلاشی غافل نمانده و نه تنها پیام خود را در ایران نگسترانیده، بلکه این پیام را به کلیه جهان با انتشار کتب خود و همچنین ترجمه آنها توسط دوستدارانش نیز گسترانیده است. ایشان عامل اصلی بیداری اسلامی و همچنین احساس هویت و ایستادگی در برابر دشمنان و مستکبرین را بازگشت به خویشتن دانسته و اعتقاد داشتند که باید روح ایمان همراه با عمل و بازگشت به اصالت خویشتن و روح اسلام در آحاد جامعه ایجاد شده و زمانیکه چنین

امري فراهم گرديد آنوقت جنبش و حرکت نیز در سرتاسر جامعه و جهان ايجاد خواهد شد.

ایشان همچنین راز حیات و عامل اصلي ايجاد بيداري اسلامي و همچنین مقاوم بودن را اتحاد و همبستگی بين مسلمين دانسته و در اين میان بسيار سخن ها بيان نموده اند و زمانیکه مسلمين متحد شدند و یکدل و یکصدا گردیدند آن زمان مي توانند بر کلیه کيدهاي دشمن غلبه کرده و موج بيداري را تلالو بخشند. همچنین استاد با بينشي روشن و آگاهانه صحنه آینده جهان مسلمين را پيش بيني نموده و بيان داشتند که دنيا در آینده به خصوص در بلوک مسلمين شاهد موج بيداري اسلامي مي باشد که اين بيداري نشأت گرفته از انقلاب اسلامي مي باشد. البته بايد بيان داشت که ايجاد انقلاب اسلامي و اين موج بيداري اسلامي حاصل تلاش ها و روشننگري هاي اين استاد فرزانه بوده است.

پي نوشت

1. اسلامي، محسن، 1390، [نقش آرای شهید مطهری در بيداری اسلامي، با نگاه اطلاع رسانی خوز نيوز، اردیبهشت.](#)
2. تسخيري، محمد علي، 1391، متفکراني مانند شهيد مطهری ؛ یکی از عوامل بيداري اسلامي، خبرگزاری تقریب، اردیبهشت ماه.
3. تسخيري، محمدعلي، 1390، [نقش آرای شهيد مطهری در بيداری اسلامي، با نگاه اطلاع رسانی خوز نيوز، اردیبهشت.](#)
4. قرآن کریم.
5. لاریجاني، علي، 1391، [بيداری اسلامي، مهمترين خواسته شهيد مطهری ، پورتال جامعه ي سياسي، اردیبهشت ماه.](#)
6. مطهری، مرتضي، 1364، سيري در سیره نبوي استاد مرتضي مطهری، انتشارات صدرا، قم.
7. مطهری، مرتضي، 1367، پیرامون انقلاب اسلامي، انتشارات صدرا، قم.

8. مطهری، مرتضی، 1386، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، جلد 17، انتشارات صدرا، قم.

9. مطهری، مرتضی، 1386، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، جلد 20، انتشارات صدرا، قم.

10. مطهری، مرتضی، 1386، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، جلد 24،

انتشارات صدرا، قم.